



خزر و آینده سیاسی - حقوقی آن

مترجم: امیرهادی تاج بخش
منبع: هرالد تریبون، تایمز آنلاین
۲۰۰۷

طبیعی بیش از نفت خام است و در سال ۲۰۰۳، حدود ۲/۶ تریلیون فوت مکعب گاز یعنی حدود ۳ درصد از گاز تولید شده در جهان از این منطقه تولید شده و ترکمنستان با سهمی معادل ۷۵ درصد تولید گاز سال، مهمترین تولیدکننده در این منطقه است. همچنین پیش‌بینی می‌شود تا سال ۲۰۱۰، تولید گاز طبیعی منطقه به بیش از ۶ تریلیون فوت مکعب افزایش یابد.

این در حالی است که ذخایر اثبات شده گاز طبیعی منطقه خزر بنا بر برآوردهای شرکت انگلیسی "بی‌پی" حدود ۱۷۰ تریلیون فوت مکعب است و احتمال کشف دیگر ذخایر عظیم نفت و گاز در دریای خزر نیز هنوز وجود دارد، چنان که اداره اطلاعات انرژی آمریکا پیش‌بینی کرده است، احتمال وجود ۱۸۴ میلیارد بشکه نفت خام علاوه بر ذخایر اثبات شده کنونی در منطقه وجود دارد که می‌تواند تولید

آذربایجان، قزاقستان، روسیه و ترکمنستان قرار گرفته که از بین آنها ایران به عنوان دومین تولیدکننده بزرگ نفت سازمان کشورهای صادرکننده نفت (اوپک)، در آستانه صدمین سال تولید و صادرات نفت است. بنا بر گزارش‌های رسیده، حجم ذخایر اثبات شده دریای خزر حدود ۱۷ تا ۱۸ میلیارد بشکه است که این رقم معادل ۱۵ درصد ذخایر اثبات شده جهان می‌باشد. در حالی که میزان تولید نفت دریای خزر بنا بر آمار اداره اطلاعات انرژی آمریکا، در سال ۲۰۰۳، معادل ۱/۶ میلیون بشکه در روز به همراه گاز طبیعی مایع بوده است و پیش‌بینی می‌شود تا سال ۲۰۱۰ این میزان سه برابر شود و به حدود ۴/۹ میلیارد بشکه در روز برسد. هم اکنون قزاقستان با ۶۵ درصد و جمهوری آذربایجان با ۲۰ درصد، بیشترین سهم تولید نفت خام این منطقه را در اختیار دارند. ... اما سهم کنونی دریای خزر در تولید گاز

وجود منابع نفت و گاز، حضور شرکت‌های چند ملیتی، نیاز روزافزون جهان به انرژی، تقاضای شدید به وجود آمده برای نفت و گاز در برخی مناطق جهان، حضور قدرت‌های بزرگ و ابهام در رژیم حقوقی کشورهای حاشیه خزر، حساسیت فراوانی را به وجود آورده است. سود منابع نفت و گاز کشورهای حوزه دریای خزر، همچنین سهم فزاینده آنها از منابع جهان، کشورهای منطقه، مصرف‌کنندگان عمده انرژی و شرکت‌های چند ملیتی را به حضور و سرمایه‌گذاری بیش از پیش در این منطقه راغب کرده است.

به هر حال، قدر مسلم آن که وجود منابع احتمالی نفت و گاز دریای خزر، فرصتی جدید برای کشورهای منطقه بخصوص ایران در تبدیل به مهمترین قطب تامین انرژی آتی جهان به وجود آورده است. دریای خزر با ۷۰۰ مایل طول در سرحد کشورهای ایران،



شایان ذکر است که نامشخص بودن رژیم حقوقی دریای خزر و پرهزینه بودن توسعه ذخایر نفت این دریا در قیاس با دیگر منابع موجود در ایران و روسیه، از مهمترین عوامل موثر در سرمایه گذاری اندک این دو کشور در دریای خزر است



نفت دریای خزر را تا ۱۰ برابر سطح کنونی افزایش دهد.

این سطح از ذخایر اثبات شده که مساوی ۷۵ درصد از کل ذخایر هیدروکربوری عربستان سعودی و ۱۵ درصد کل ذخایر جهان است، دریای خزر را به گوهی ارزشمند مبدل کرده که هر یک از ساحل نشینان خود را به طمع دسترسی به سهم بیشتر انداخته است.

با این که نخستین اجلاس کشورهای حاشیه دریای خزر، پنج سال پیش در ترکمنستان برگزار شد، اما پنج کشور همسایه خزر نتوانستند در آن اجلاس به توافقی دست یابند و این موضوع همچنان مانع عمده‌ای پیش روی انجام پروژه‌های انرژی در این منطقه از جمله ساخت لوله‌ای است که قرار است از زیر بستر دریای خزر، نفت و گاز را از طریق آذربایجان و بدون عبور از روسیه، به

بازارهای غرب منتقل سازد.

با این که ایران و آذربایجان هنوز نتوانسته‌اند به عنوان دو کشور همجوار به توافقی در خصوص تقسیم بستر دریای خزر دست یابند، اما سه کشور روسیه، قزاقستان و آذربایجان توافقتنامه‌های دوجانبه‌ای در زمینه تقسیم دریای خزر به امضا رسانده و ۶۴ درصد این دریا را میان خود تقسیم و براساس آن، کار توسعه ذخایر نفت و گاز در بخش شمالی دریای خزر را آغاز کرده‌اند.

بر همین اساس، قزاقستان و آذربایجان بیش از دیگر کشورهای حاشیه این دریا، در توسعه ذخایر نفت در این منطقه سرمایه‌گذاری کرده‌اند؛ به گونه‌ای که در منابع بین‌المللی، ذخایر نفتی آنها به ترتیب ۱۷ تا ۲۵ و ۶ تا ۷ میلیارد بشکه گزارش می‌شود. تولید کنونی نفت قزاقستان نزدیک به یک میلیون و ۲۰۰ هزار بشکه و جمهوری آذربایجان حدود ۷۰۰ هزار بشکه در روز است. ترکمنستان با تولید روزانه ۲۰۰ هزار بشکه نفت در رده بعدی قرار دارد.

در این میان، روسیه و ایران تاکنون سهمی از ذخایر نفت و گاز دریای خزر به نام خود ثبت نکرده‌اند. این در حالی است که روسیه با تولید روزانه افزون بر ۹ میلیون و ۸۰۰ هزار بشکه، بزرگترین تولیدکننده نفت جهان و ایران با توان تولید روزانه افزون بر ۴ میلیون و ۲۰۰ هزار بشکه، دومین تولیدکننده نفت اوپک به شمار می‌آید؛ به گونه‌ای که آمریکا با حمایت گسترده از ترکیه، آشکارا اعلام کرده است که نفت این دریا نباید از ایران و روسیه بگذرد، هر چند که به طور تام و تمام نتوانست از انتقال بخشی از نفت منطقه از طریق ایران و روسیه جلوگیری کند، اما به هر حال با حمایت گسترده سیاسی و مالی از خط لوله "باکو-تفلیس-جیحان" (بی‌تی‌سی) موفق شد بخش عمده‌ای از نفت خزر را از پر هزینه‌ترین مسیر به بازارهای جهانی انتقال دهد.

شایان ذکر است که نامشخص بودن رژیم حقوقی دریای خزر و پر هزینه بودن توسعه ذخایر نفت این دریا در قیاس با دیگر منابع موجود در ایران و روسیه، از مهمترین عوامل موثر در سرمایه‌گذاری اندک این دو کشور در دریای خزر است.

اولین اجلاس سران کشورهای حاشیه خزر که به اجلاس "شکست خورده" معروف شد، سابقه درخشانی از مذاکرات همسایگان خزر نیست، اما پس از توافقی‌هایی که در نشست خرداد ماه وزیران امور خارجه کشورهای حاشیه دریای خزر در تهران انجام شد، پیش‌بینی می‌شود این کشورها گام‌های مثبت‌تر

و شتابان‌تری به سوی حل اختلاف‌های خود بردارند. به همین دلیل، اجلاس سران کشورهای حاشیه خزر در تهران، گامی بلند برای رفع مسایل حقوقی مرتبط با منابع زیر بستر این دریا محسوب می‌شد که پس از سال‌ها بحث و بررسی گروه‌های کارشناسی کشورهای منطقه، برگزار گردید.

با این حال، ذکر این نکته ضروری به نظر می‌رسد که برآوردهای غیر واقعی از ذخایر نفت و گاز این منطقه سبب شد که راه ورود برای شرکت‌های بین‌المللی نفتی به سرعت هموار شود. اما پس از مدتی، شرکت‌های نفتی دریافتند که ذخایر نفتی موجود در زیر بستر دریای خزر، آنقدرها نیست که آنها پنداشته بودند. ذخایر کنونی نفت این منطقه ۱۷ تا ۵۰ میلیارد بشکه برآورد می‌شود، در حالی که تا ۱۰ سال پیش افزون بر ۳۰۰ میلیارد بشکه گزارش می‌شد. این مقدار نفت اگرچه کمتر از انتظارات اولیه است، اما به خوبی می‌تواند جانشین ذخایر رو به پایان نفت دریای شمال به شمار آید که همین اندازه نیز برای غرب تشنه‌ی نفت، مقدار اندکی نیست و می‌توان به آن امیدهای زیادی بست.

... شاید یکی از عمده‌ترین دلایل موفقیت این اجلاس در تهران، حضور یک رهبر کرملین در این شهر پس از جنگ جهانی دوم باشد. ولادیمیر پوتین، رییس جمهوری روسیه نه تنها با حضورش در این اجلاس، آمریکا و غرب را از خود ناامید ساخت، بلکه با هشدارهایش به غرب در خصوص عدم دخالت نظامی‌اش در ایران به واسطه مساله هسته‌ای این کشور، بار دیگر اتحاد خود با ایران و دشمنی‌اش با غرب را به همگان نشان داد و با ترفندی نوین ثابت کرد که می‌تواند همانند آمریکا در زمان مقتضی، از حق "وتو" خود استفاده کند!

پوتین همچنین در مراسم افتتاحیه دومین اجلاس سران دریای خزر در تهران، با تاکید بر این که ذخایر دریای خزر به عنوان امتیازی قوی برای رشد اقتصادی کشورهای همسایه این دریا به شمار می‌آید، اظهار داشت: "برای استفاده از ذخایر دریای خزر نباید منتظر رژیم حقوقی آن بود، بلکه می‌توان بر اساس تجربیات گذشته، در استفاده از این منابع عمل کرد. قابلیت‌های این دریا بسیار منحصر به فرد و بسیاری از مسایل اقتصادی را پاسخگو است." پیشنهاد پوتین برای ایجاد کریدور شمال-جنوب که با استقبال دیگر کشورهای حاشیه خزر روبه‌رو شد، نشان از تصمیم قاطع این گروه برای استفاده درست از ذخایر این منطقه دارد. چرا که از

این طریق، دریای خزر به دریای سیاه و آب‌های آزاد راه پیدا می‌کند و بدین ترتیب، قدرت بالقوه کشورها و دورنمای تجارت بین کشورهای همسایه افزایش می‌یابد.

نیاز روزافزون به انرژی سبب شده است کشورهای حوزه دریای خزر برای استفاده حداکثر از ذخایر نفت و گاز این منطقه گام بلندی بردارند و برای پیشبرد برنامه‌های اقتصادی و سیاسی خود روی درآمدهای حاصل از منابع این دریا حسابی ویژه باز کنند.

بر اساس پیش‌بینی‌های انجام شده در این زمینه، تولید روزانه نفت کشورهای دریای خزر از یک میلیون و ۱۸۴ هزار بشکه در سال ۲۰۰۰ به حداقل ۲ میلیون و ۷۶۵ بشکه در سال ۲۰۱۰ خواهد رسید که رشد ۲/۳ درصدی را خواهد داشت. همچنین پیش‌بینی می‌شود تولید گاز طبیعی این منطقه از ۲ میلیارد و ۴۰ میلیون فوت مکعب در سال ۲۰۰۰، به ۵ میلیارد و ۴۴ میلیون فوت مکعب در سال ۲۰۱۰ افزایش یابد. از این میزان، ترکمنستان به تنهایی ۳/۵ میلیارد فوت مکعب در سال ۲۰۱۰ گاز تولید خواهد کرد.

هم‌اکنون در دریای خزر بیش از ۳۵ میدان نفت و گاز کشف شده وجود دارد که عمده آن متعلق به جمهوری آذربایجان است. جمهوری‌های آذربایجان و قزاقستان، عمده‌ترین تولیدکنندگان نفت و ترکمنستان، عمده‌ترین تولیدکننده گاز دریای خزر هستند.

اکنون مروری کوتاه بر وضعیت تولید نفت و ذخایر اثبات شده‌ی این ۵ کشور حاشیه خزر خواهیم داشت:

قزاقستان

ذخایر اثبات شده قزاقستان حداقل ۹ میلیارد و حداکثر ۴۰ میلیارد بشکه پیش‌بینی می‌شود که ۹ میلیارد بشکه‌ی آن مربوط به میدان نفتی "کاشاگان" است. این میدان در مناطق کم‌عمق دریای خزر بر روی جزایر مصنوعی و در مرحله توسعه قرار دارد. "کاشاگان" بزرگترین اکتشاف نفتی منطقه در سال‌های اخیر بوده است. تولید نفت قزاقستان حدود یک میلیون و ۳۰۰ هزار بشکه در روز است که بیش از نیمی از تولید نفت منطقه خزر را تشکیل می‌دهد. پیش‌بینی می‌شود این میزان در سال ۲۰۱۰ میلادی به یک میلیون و ۸۰۰ هزار بشکه در روز برسد. بر اساس پیش‌بینی‌ها، قزاقستان ۹۲ میلیارد بشکه ذخایر نفت احتمالی دارد. این کشور علاوه بر

انقباد یک توافقنامه بلندمدت انتقال نفت و گاز با روسیه، اعلام کرده است که به مدت ده سال از مسیر "باکو-تفلیس-جیحان" محموله صادر نخواهد شد. همچنین این کشور با انعقاد قراردادی با شرکت "شورون" آمریکا امیدوار است ۶ تا ۹ میلیارد بشکه نفت از حوزه "تنگیز" استخراج کند.

آذربایجان

آذربایجان دارای ۷ میلیارد بشکه ذخیره نفت خام اثبات شده و حدود ۳۲ میلیارد بشکه نفت خام احتمالی، ۳۰ میلیارد فوت مکعب ذخایر اثبات شده گاز و ۳۵ میلیارد فوت مکعب ذخایر گاز احتمالی است. شرکت‌های خارجی شامل پنج شرکت آمریکایی "آموکو"، "پنزواویل"، "یونوکال"، "مک‌دمورت" و "اکسون" و دو شرکت انگلیسی "بریتیش پترولیوم" و "آرامکو"، شرکت "لوک اویل" روسیه، "استات اویل" نورژ و "دلنایمر" عربستان برای فعالیت در سه حوزه آذری، چراغ و گونشلی به منظور تولید ۳ میلیارد بشکه نفت خام راهی این کشور شدند. آذربایجان با تولید روزانه ۴۴۰ هزار بشکه نفت در سال ۲۰۰۵ در رده دوم تولیدکنندگان نفت این منطقه قرار داشت. میزان تولید گاز این کشور نیز در همین سال، ۱۸۰ میلیون فوت مکعب بوده است.

روسیه

ذخایر اثبات شده روسیه در دریای خزر حدود ۳۰۰ میلیون بشکه و ذخایر احتمالی آن ۷ میلیارد بشکه است. پیش‌بینی می‌شود تولید نفت روسیه از این ناحیه در سال ۲۰۱۰ به ۱۰۰ هزار بشکه در روز برسد. تولید کنونی نفت روسیه از همه مخازن این

کشور بیش از ۶ میلیون بشکه در روز است. این کشور یکی از مهمترین کشورهای صادرکننده نفت غیر عضو اوپک به شمار می‌آید. تاکنون روسیه موفق به کشف ذخایر گاز در حوزه خزر نشده است.

ترکمنستان

ترکمنستان دارای حداقل ۵۵۰ میلیون و حداکثر یک میلیارد و ۷۰۰ میلیون بشکه نفت خام اثبات شده، ۳۸ میلیارد بشکه نفت خام احتمالی، ۶۵ میلیارد فوت مکعب گاز اثبات شده و ۸۸ میلیارد فوت مکعب ذخایر احتمالی گاز است. در سال ۲۰۰۵، تولید نفت این کشور ۱۲۵ هزار بشکه در روز بوده است که پیش‌بینی می‌شود در سال ۲۰۱۰ به ۲۵۰ هزار بشکه در روز برسد.

ایران

ذخایر اثبات شده نفت و گاز ایران در دریاچه خزر بسیار ناچیز بوده، اما ذخایر احتمالی نفت ایران در بلوک‌های اکتشافی ۱۵ میلیارد بشکه و ذخایر احتمالی گاز ایران در همین منطقه ۱۱ میلیارد فوت مکعب است. برخی پیش‌بینی‌ها نیز حاکی از وجود بیش از ۳۲ میلیارد بشکه نفت درجا در حوزه ایرانی خزر است.

... و اما سرمایه‌گذاری‌های شرکت‌های خارجی و ایران در این منطقه از آن رو بود که پس از فروپاشی شوروی سابق، تمام کشورهای تازه استقلال یافته نیاز شدیدی به درآمد ارزی داشتند؛ این رو اقدام به تعیین رژیم حقوقی و امضای توافقنامه برای تقسیم دریای خزر کردند. در این زمان، توافق‌های دوجانبه‌ای میان این کشورها به جز ایران حاصل شد. در واقع، این عمل برای جلب مشارکت



سرمایه‌گذاری‌های خارجی به منظور اکتشاف و توسعه ساختارهای نفت و گاز، ضروری به نظر می‌رسیده است.

بر اساس گزارش‌ها، بیشترین تلاش برای جلب مشارکت خارجی از طرف آذربایجان و قزاقستان صورت گرفت؛ به طوری که از ۲۴ قرارداد مشارکت در تولید آذربایجان، ۱۶ مورد مربوط به دریا بوده است. در حقیقت مهمترین اکتشاف گاز در میدان "شادنیز" بوده که مشکلات بی‌شماری برای انتقال و بازاریابی به همراه داشته است. همچنین شرکت‌های آمریکایی با همکاری شرکت‌های نفتی ژاپن، کره و عربستان با همکاری کشورهای آذربایجان، قزاقستان و ترکمنستان اقدام به سرمایه‌گذاری برای اکتشاف و توسعه منابع هیدروکربوری و احداث خطوط لوله انتقال نفت و گاز کرده‌اند.

در واقع، اطلاعات منتشر شده درباره این سرمایه‌گذاری‌ها نشان می‌دهد به جز ایران و روسیه، سه کشور دیگر دریای خزر توانسته‌اند در جذب سرمایه‌گذاری خارجی به موفقیت‌های بزرگی دست یابند. این در حالی است که هزینه عملیات در بخشی از دریای خزر به دلیل عمق زیاد آب، بسیار بالا است. در خصوص رژیم حقوقی دریای خزر که سومین ذخایر بزرگ انرژی را در خود جای داده است، باید گفت که از سال ۱۹۹۱ یعنی پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی سابق، در هاله‌ای از ابهام فرو رفته است، به طوری که منجر به بروز اختلافات و تنش‌هایی بر سر ذخایر نفت و گاز این دریا شده است. ایران که در زمان اتحاد جماهیر شوروی سابق سهم یکسانی را با این کشور از این دریا به خود اختصاص می‌داد، بر تقسیم مساوی دریا بین کشورهای حاشیه آن تاکید دارد. این در حالی است که روسیه، آذربایجان و قزاقستان خواهان تقسیم این دریا بر اساس طول ساحل هر کشور هستند به طوری که سهم

کوچکتری به ایران اختصاص می‌یابد. تعیین رژیم حقوقی این دریا و سهم هر کشور، از آن رو اهمیت زیادی دارد که به حجم منابع نفت و گاز این دریا توجه کنیم که با توجه به آمار ارایه شده که پیش از این گفته شد، این منطقه به سومین منطقه بزرگ دنیا از لحاظ منابع هیدروکربوری تبدیل شده است. به هر حال، آنچه که مسلم است، آن است که امکانات حمل و نقل در منطقه‌ی دریای خزر محدود است و ساخت خطوط لوله انتقال نفت و گاز، مشکلات را حل نمی‌کند. از سوی دیگر خطوط راه آهن، پایانه‌های دریایی و تاسیسات ذخیره‌سازی نیز نیاز به بازسازی دارند و توسعه زیرساختاری، مساله عمده در کشورهای حوزه دریای خزر و دریای سیاه به شمار می‌رود.

ذکر این نکته باز هم ضروری است که کارشناسان انرژی آمریکا اعلام کرده‌اند منطقه دریای خزر سومین ذخایر انرژی در جهان را در خود جای داده است. اما هنوز هم استخراج و انتقال این ثروت پنهان، به واسطه نبود خطوط انتقال نفت و گاز یک مشکل اساسی است. مشکلی که باید با همفکری و هم‌رایی ۵ کشور حاشیه‌نشین این دریا و با درایت سردمداران آن حل و فصل شود.

بیشتر کارشناسان نفتی در این خصوص که کشورهای حوزه دریای خزر کمتر از ۱۰ درصد از ذخایر نفتی خاورمیانه را در دست دارند، اتفاق نظر دارند. در حقیقت با احتساب این مقدار، سایر کشورها در مجموع فقط ۵۳ درصد از ذخایر نفتی اثبات شده خاورمیانه را در اختیار دارند. بر اساس آمار مربوط به پیش‌بینی سید انرژی در جهان، تا سال ۲۰۵۰، ۸۰ درصد نفت و گاز طبیعی جهان را تولید می‌کنند. مجموع ذخایر نفتی کشورهای حوزه خلیج فارس و دریای خزر ۸۰۰ میلیارد بشکه و میزان ذخایر گازی نیز به همین

نسبت است. ذخایر نفتی آمریکا و اروپا در مقایسه با ذخایر نفتی کشورهای این دو حوزه کمتر از ۱۶۰ میلیارد بشکه است که تا سال ۲۰۳۰ به اتمام می‌رسد.

در حال حاضر کشورهای اروپایی تقریباً نیمی از نفت و گاز خود را از روسیه دریافت می‌کنند و انتظار می‌رود که تا سال ۲۰۳۰ این میزان به ۷۰ درصد برسد و روسیه به هیچ وجه قصد ندارد این منبع درآمد پرسود را با دیگران تقسیم نماید.

اروپا چندین دهه است که مشتری نفت و گاز روسیه است و در این زمینه نیز هیچگاه نگرانی نداشته است. اما در سال ۲۰۰۵ با مشاجره میان روسیه و اوکراین بر سر بهای گاز و قطع گاز به این جمهوری، بحران عرضه گاز روسیه به مشتریان اروپایی جنبه جدی‌تری به خود گرفت. در ژانویه ۲۰۰۷ که بلاروس عرضه گاز به غرب اروپا از خط لوله "دروژبا" را قطع کرد، اوضاع بحرانی‌تر شد. به همین دلیل، کشورهای اروپایی برای تضمین امنیت انرژی به سوی منابع انرژی در آسیای مرکزی و قفقاز جلب شدند.

بر اساس آمار ارایه شده و گزارش‌های موجود، کشورهای اروپایی سالانه ۷۰۰ میلیون تن نفت مصرف می‌کنند که ۷۰ درصد آن از محل واردات تامین می‌شود و از این بین، یک چهارم واردات نفت از سوی روسیه صورت می‌گیرد و بقیه از عربستان، لیبی، ایران و الجزایر تامین می‌شود.

اکنون زمان آن رسیده تا این ۵ کشور حاشیه خزر واقعیت‌ها را دیده و پیش از آن که غربی‌ها و به ویژه آمریکایی‌ها تشنه‌ی نفت بتوانند با ساخت خط لوله‌هایی مانند "بی تی سی" منابع نفت و گاز خزر را بدون عبور از این کشورها و دخالت آنها به بازارهای اروپایی برسانند، خود اقدام کرده و مهار هدایت مسیرهای امن انتقال نفت و گاز خزر را با مشارکت هم بر عهده گیرند.

گزارش ما و پاسخ مهندس غرضی

در شماره ۱۹۱ گزارش، مطلبی را با عنوان "نفت غرضی، بشکه‌ای چند دلار؟" به چاپ رسید.

در این مطلب اشاره شده بود که در زمان صدارت غرضی هر بشکه نفت تا مرز ۵-۶ دلار هم سقوط کرده بود. اما حکایت آن روز با حکایت امروز و خریداران چینی و هندی فرق داشت.

مهندس غرضی در پاسخ به این مطلب، توضیحاتی به شرح زیر داده‌اند:

"جریان ۵-۶ دلاری نفت در زمان وزارت بنده روی نداد، و سه ماه بعد از بنده وقتی مسوولین نفت اعلام کردند که تولید نفت کشور را به ۱۳۰ میلیون بشکه در روز می‌رسانند، قیمت ۳۰ دلاری نفت ظرف یک هفته به ۵-۶ دلار سقوط کرد.